

دکتر مارتین لوتر کینگ پسر
Dr. Martin Luther King Jr.



ترجمه از سینا، انجمن بدون مرز <http://www.bedoonemarz.com>

دکتر مارتین لوتر کینگ (پسر) در 15 ژانویه 1929 در جورجیا ی آتلانتا متولد شد. او یکی از مشهورترین فعالان حقوق شهروندی سیاه‌پوستان آمریکا بود و موفق به دریافت جایزه نوبل شد. وی کشیش فرقه باپتیست بود و به عنوان یکی از نظریه‌پردازان پی‌خشونت‌ی شناخته می‌شود. پس از آن که در 4 آوریل 1968 ترور شد بسیاری از مردم آمریکا از او به عنوان قهرمان و شهید تمجید کردند. تقریباً یک دهه و نیم پس از مرگش دولت آمریکا روز مرگش را تعطیل رسمی اعلام کرد.

نام پدرش نیز مارتین لوتر کینگ بود و مادرش آلبرتا ویلیامز کینگ نام داشت. لیسانس (مدرک کارشناسی) خود را در رشته جامعه‌شناسی از کالج مورهاوس (Morehouse College) دریافت کرد. درخواست وی برای ادامه تحصیل در مدرسه الهیات ییل (Yale Divinity School) پذیرفته نشد و به همین دلیل به چستر پنسیلوانیا رفت تا در مدرسه دین‌شناسی کروزر الهیات بخواند. در سال 1951 مدرک کارشناسی خود را در رشته الهیات دریافت کرد. در سال 1955 با درجه دکترای دین شناسی نظام مند (Systematic Theology) از دانشگاه بوستون فارغ‌التحصیل شد.

در 18 ژوئن سال 1953 با کورتا اسکات¹ ازدواج کرد و صاحب چهار فرزند شد:

- یولاندا دنیس² (17 نوامبر 1955 - مونت‌گومری، آلاباما)
- مارتین لوتر III³ (23 اکتبر 1957 - مونت‌گومری، آلاباما)
- دکستر اسکات⁴ (30 ژانویه 1961 - جورجیا، آتلانتا)
- برنیکا آلبرتین⁵ (28 مارچ 1963 - جورجیا، آتلانتا)

همه بچه‌ها در یک موضوع مشترک بودند، راه پدر را به عنوان فعال حقوق شهروندی ادامه دادند.

فعالیت‌های حقوق شهروندی

در سال 1954 کینگ کشیش کلیسای باپتیست خیابان دکستور در مونت‌گومری آلاباما شد و در سال 1955 یکی از رهبران تحریم اتوبوس‌های مونت‌گومری بود. جریان تحریم از حرکت روزا پارک آغاز شد که جای خود را در اتوبوس به یک سفیدپوست نداد. طبق قوانین ایالتی آلاباما اتوبوس‌های شهری خطی برای جدا کردن محل نشستن سیاهان و سفیدپوستان داشتند که راننده می‌توانست جای آن را عوض کند. وقتی اتوبوس شلوغ شد، راننده از روزا پارک خواست تا به قسمت جلوی اتوبوس برود تا جای خط مورد نظر را عوض کند، اما خانم پارک امتناع کرد. این امتناع به دستگیری روزا پارک در 1 دسامبر 1955 انجامید. در جلسات کلیسا به رهبری مارتین لوتر کینگ تحریم وسایل نقلیه عمومی پیشنهاد و تصویب شد. هدف تحریم ثابت شدن خط فاصل سیاهان و سفیدها در اتوبوس بود. تأثیر تحریم با توجه به تعداد عظیم کارگران و کارمندان سیاه‌پوست بسیار زیاد بود؛ چرا که خسارت مالی زیادی به شرکت‌های نقلیه عمومی وارد کرد. سیاهان با سازماندهی مناسب افراد دارای خودرو، بطور جمعی از خودروها استفاده می‌کردند (اصطلاحاً به آن carpooling می‌گویند). حتی برخی از سفیدپوستان هم خودروهای خود

¹ Coretta Scott

² Yolanda Denise

³ Martin Luther III

⁴ Dexter Scott

⁵ Bernice Albertine

را برای این کار اختصاص دادند. مقامات هم بیکار ننشستند و قانونی به شرکت‌های بیمه ها ابلاغ شد که خودروهای این اشخاص را بیمه نکنند. رانندگان تاکسی سپاه پوست حاضر شدند تحریم کنندگان را با تنها 10 سنت جابجا کنند (مبلغی تقریباً معادل قیمت بلیت اتوبوس). به همین دلیل قانونی به تصویب رسید که هیچ راننده‌ای حق ندارد مبلغی کمتر از 45 سنت از مسافران دریافت کند. تعداد زیادی از تحریم کنندگان پیاده به مقصد خود می‌رفتند و گاه دسته‌های بزرگ سیاهانی دیده می‌شد که با پای پیاده به سر کار خود می‌روند. برخی نیز از دوچرخه، موتورسیکلت و اسکیت برای رسیدن به مقصد استفاده می‌کردند. سازمان‌های زیادی در این تحریم و کمپین‌های حامی آن نقش‌آفرینی کردند، از آن جمله: کمیته سیاسی زنان، اتحادیه پیشرفت مونت‌گومری، کنگره برابری نژادی، کمیته اتحاد بی‌خشونت‌ی و مردان مونت‌گومری. سپیدپوستان مخالف هم بیکار ننشستند و چندین بار حرکت‌های خشن انجام دادند. خانه مارتین لوتر کینگ و رالف آبرتانی با بمب مورد حمله قرار گرفت و تعداد زیادی از تحریم‌کنندگان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. تحریم پس از 381 روز با رای دیوان عالی قضایی آمریکا مبنی بر لغو قانون تبعیض علیه سیاهان به پایان رسید. این یک پیروزی بزرگ برای لوتر کینگ و روش بی‌خشونت‌ی بود.

پس از این کمپین سیاسی کینگ در سال 1957 SCLC (Southern Christian Leadership Conference) را بنیان نهاد. گروه در پی بکارگیری اقتدار اخلاقی و سازماندهی قدرت کلیساهای سیاه‌پوستان برای هدایت اعتراضات بی‌خشونت به منظور ایجاد اصلاحات در قوانین حقوق شهروندی بود. کینگ تا هنگام مرگ در این گروه فعالیت می‌کرد. البته گروه از سوی سیاهان جوان و رادیکال و همچنین سایر گروه‌های فعال مانند SNCC (Student Nonviolent Coordinating Committee) به رهبری جیمز فورمن مورد نقد قرار گرفت.

کینگ که از طرفداران نظریه بی‌خشونت‌ی ماهاتما گاندی در هند بود، دریافته بود مبارزه بی‌خشونت علیه قوانین تبعیض آمیز جنوب (که با نام قوانین جیم کرو شناخته می‌شد) تحت پوشش مناسب رسانه‌ها قرار می‌گیرد. تجربه هم همین موضوع را ثابت کرد. رسانه‌ها تلاش سیاهان برای دستیابی به حقوق اولیه شهروندی مانند برابری و حق رای را تحت پوشش گسترده خود قرار دادند و جنبش حقوق شهروندی تبدیل به خبر اول نشریات سیاسی آمریکا در اوائل دهه 1960 شد.

کینگ تعداد زیادی راه‌پیمایی و کمپین را برای دستیابی به حقوق اولیه شهروندی سیاهان مانند حق رای و دستمزد برابر هدایت کرد. بسیاری از این حقوق با گذراندن لایحه حقوق شهروندی سال 1964 و لایحه حق رای سال 1965 تصویب شد و وارد قانون اساسی ایالات متحده گردید.

کینگ و SCLC اصول و روش‌های اعتراض بی‌خشونت را در شهرهای مختلف اجرا کردند؛ گرچه برخی از آنها به خشونت کشیده شد ولی در مجموع شیوه کار آنها تأثیرگذار و موفقیت‌آمیز بود. مهم‌ترین اعتراضات تحت رهبری کینگ و گروه عبارتند از: آلبانی در سال‌های 1961 و 62، بیرمینگام در تابستان 1963 و سنت‌آگوستین فلوریدا در سال 1954. همچنین کینگ در دسامبر 1964 به همراه SCLC به نیروهای SNCC در سلما ی آلاباما برای همکاری با ثبت‌نام‌کنندگان رای‌گیری پیوست.

راه‌پیمایی واشینگتن



28 August 1963, at the Lincoln Memorial, Washington D.C.
Picture from Reference.2

پس از آن SCLC و SNCC تلاش کردند تا راه‌پیمایی‌ای از سلما به مرکز ایالتی مونت‌گومری برای 25 مارچ 1965 سازماندهی کنند. تلاش اول در روز 7 مارچ به دلیل خشونت جمعیت انبوه مخالفین و پلیس علیه تظاهرات‌کنندگان متوقف شد. این روز با نام یکشنبه خونین شناخته می‌شود. یکشنبه خونین نقطه عطفی برای جلب حمایت عمومی برای جنبش حقوق شهروندی - مهمترین حرکت شکل گرفته براساس راهبرد (استراتژی) بی خشونت کینگ تا آن زمان، بود. پخش تصاویر خشونت پلیس در آمریکا هم‌دردی عمومی با تظاهرات را برانگیخت. تلاش دوم در 9 مارچ پس از مذاکرات کینگ با مسؤولان شهر سلما به وسیله کینگ در پل ادموند پتوس متوقف گردید که باعث نارضایتی برخی از فعالان شد. در نهایت تظاهرات با همکاری رئیس جمهور لیندون جانسون در روز 25 مارچ برگزار شد و چنان که ویلی ریکز گفت نشان دهنده "قدرت سیاهان" بود.

کینگ به نمایندگی از SCLC جز شش سازمان بزرگ حقوق شهروندی بود که نقش رهبری راه‌پیمایی واشینگتن برای کار و آزادی را بر عهده داشتند. هدف اصلی راه‌پیمایی بیان شرایط ناامیدکننده سیاه‌پوستان در جنوب بود. راه‌پیمایی علاوه بر انتقاد از دولت خواسته‌های مشخصی را مطرح کرد: پایان دادن به تبعیض نژادی در مدارس، مشروعیت‌بخشی به حقوق شهروندی شامل قانونی برای رفع تبعیض نژادی در استخدام، محافظت فعالان حقوق شهروندی از خشونت پلیس، حداقل دستمزد 2 دلار برای همه کارگران و خودگردانی ناحیه کلمبیا.

با وجود تنش‌های بسیار زیاد، بیش از 250 هزار نفر از اقوام گوناگون در تظاهرات شرکت کردند و از محل یادبود لینکلن تا نشنال مال حرکت کردند. تا آن زمان، این تعداد جمعیت بیشترین تعداد معترض در یک رویداد این چنینی بود. کینگ سخنرانی مشهور خود یعنی "من رویایی دارم" را در این همایش انجام داد که به عنوان یکی از بهترین سخنرانی‌ها در تاریخ آمریکا شناخته می‌شود.

بخشی از سخنرانی معروف من رویایی دارم :

من رؤیایی دارم روزی این ملت برخواهد خاست و معنای حقیقی اعتقاداتش را زندگی خواهد کرد؛ "ما این حقایق را آشکار خواهیم کرد؛ که همه انسان‌ها برابر خلق شده‌اند."

من رؤیایی دارم؛ روزی بر روی تپه‌های قرمز جورجیا فرزندان برده‌های پیشین و فرزندان برده‌داران پیشین با یکدیگر پشت میزهای برادری خواهند نشست.

من رؤیایی دارم؛ روزی ایالت میسیسیپی، ایالتی بیابانی - خسته از گرمای سوزان ظلم و بی‌عدالتی، به سبزه‌زار آزادی و عدالت بدل خواهد شد.

من رؤیایی دارم؛ چهار کودک من روزی در سرزمینی زندگی خواهند کرد که با رنگ پوست‌شان قضاوت نشوند بلکه با ظرفیت شخصیت‌شان سنجیده شوند.

من رؤیایی دارم امروز.

...

با این ایمان می‌توانیم از کوه یاس سنگ امید استخراج کنیم

با این ایمان می‌توانیم اختلافات جنجالی ملتمان را به هم‌نوایی برادری تبدیل کنیم.

با این امید می‌توانیم با هم کار کنیم، با هم نیایش کنیم، با هم تلاش کنیم، با هم به زندان برویم، با هم برای آزادی قد علم کنیم، با دانش به اینکه روزی آزاد خواهیم شد.

...

وقتی زنگ‌های آزادی به صدا در آید، وقتی ما اجازه دهیم که زنگ‌های آزادی در هر روستا و دهکده‌ای، در هر ایالت و هر شهر به صدا درآید، آن‌گاه است که می‌توانیم فرارسیدن آن روز را سرعت بخشیم؛ روزی که تمام فرزندان خدا، سیاه و سپید، کلیمی و غیر کلیمی، پروتستان و کاتولیک، می‌توانند دست به دست هم دهند و جملات قدیمی و معنوی سیاهان را زمزمه کنند که، "بالاخره آزاد شدم! بالاخره آزاد شدم! سپاس پروردگار بزرگ را، که ما بالاخره آزاد شدیم!"

در 14 اکتبر 1964 کینگ جوان‌ترین دریافت‌کننده جایزه صلح نوبل شد. او این عنوان را به دلیل رهبری مقاومت بی‌خشونت برای پایان دادن به تعصبات نژادی در ایالات متحده کسب کرد.

با آغاز سال 1965، کینگ تشکیک‌هایی در مورد نقش آمریکا در جنگ ویتنام مطرح کرد و در سخنرانی 4 آوریل 1967 خود عنوان کرد که آمریکا تلاش می‌کند ویتنام را مستعمره خود کند و آمریکا را بزرگ‌ترین مروج خشونت در جهان نامید. علاوه بر این به نیاز جامعه آمریکا برای تغییرات اخلاقی اشاره کرد:

"به زودی یک انقلاب حقیقی در ارزش‌ها برای تقابل شدید فقر و ثروت الزامی است. سرمایه‌داران غرب پول زیادی در آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی سرمایه‌گذاری کرده‌اند تنها برای این که سودهای کلانی از این طریق بدست آورند؛ بدون آن که کاری به بهبود اجتماعی کشورها داشته باشند"

کینگ مورد نفرت نژادپرستان جنوبی قرار داشت اما پس از سخنرانی‌های او آخر عمرش مورد حمله رسانه‌ها نیز قرار گرفت. واشینگتن پست نوشت کینگ "کارهای مفید برای خود، کشورش و مردمش را نابود کرده است."

سخنرانی‌ها بازتابی بود از نگرش سیاسی تکامل یافته او در سال‌های بعد. او صحبت‌های خود را به نیاز شدید کشور برای ایجاد تغییرات بنیادین در زندگی سیاسی و اقتصادی متمرکز کرده بود. کینگ همواره مخالفت خود را با جنگ و تمایلش برای توزیع دوباره منابع به شکلی صحیح و بر اساس عدالت سیاسی و نژادی بیان می‌کرد. او در سخنرانی‌های خود بسیار با احتیاط سخن می‌گفت تا توسط دشمنان سیاسی‌اش

کمونیست خوانده نشود، اما ظاهراً در جمع‌های خصوصی‌تر از علاقه‌اش به سوسیال دموکراسی صحبت کرده بود.

"شما نمی‌توانید در مورد مشکل سیاهان صحبت کنید بدون آن که از میلیاردها دلار صحبت نکنید. نمی‌توانید در مورد پایان دادن به اصلاحات (slum = اسکان غیررسمی افراد فقیر بدون امکانات شهری) صحبت کنید بدون آن که در ابتدا از سود موجود در اصلاحات صحبت نکنید... اشکالی در سرمایه داری وجود دارد ... باید توزیع بهتری از ثروت وجود داشته باشد و شاید باید آمریکا به سوی سوسیال دموکراسی حرکت کند"

(سخنرانی لوتر کینگ در 16 نوامبر 1966 در فرگمور)

در سال 1968 کینگ و SCLC "کمپین مردمان فقیر" را برای نشان دادن وضعیت نامناسب عدالت اقتصادی برگزار کردند. آنها خواهان کمک به فقیرترین افراد ایالات متحده بودند.

مارتین لوتر کینگ در ساعت 6 و یک دقیقه بعد از ظهر 4 آوریل 1968 بر روی بالکن متل لورن در ممفیس تنسی در حالی که برای همراهی کارگران مورد استثمار ممفیس در راه‌پیمایی آماده می‌شد، مورد اصابت گلوله قرار گرفت. دوستانش پس از شنیدن صدای گلوله‌ها خود را به بالکن رساندند و با بدن غرقه در خون کینگ روبرو شدند. ساعاتی بعد دکتر مارتین لوتر کینگ کشیش آزادی‌خواه و مبارز بی‌خشونت در بیمارستان دار فانی را وداع گفت. در تشییع جنازه وی حدود 300 هزار نفر شرکت کردند.

جیمز ارل ری (James Earl Ray) اعتراف کرد که به کینگ شلیک کرده است و با آن که بعداً اعتراف خود را پس گرفت، محکوم شد. در سال 1999 کورتا - بیوه مارتین لوتر کینگ که خود از فعالان حقوق شهروندی است، از لوید جوورز شکایت کرد. او 100 هزار دلار برای برنامه‌ریزی ترور کینگ دریافت کرده بود. تحقیقات نشان داد که برخی مقامات دولتی در ترور نقش داشته‌اند؛ گرچه هنوز همه مسائل به درستی روشن نشده است.

منابع:

- 1) Wikipedia
http://en.wikipedia.org/wiki/Martin_Luther_King%2C_Jr
- 2) Martin Luther King, Jr.: "I Have a Dream"
<http://www.americanrhetoric.com/speeches/Ihaveadream.htm>
- 3) این مقاله در اینترنت در این آدرس قابل دسترس است:
<http://www.bedoonemarz.com/blog/36>

برای منابع دیگر در زمینه بی‌خشونت کتابخانه بی‌خشونت فائوس را ببینید:
<http://lanternblog.com/library/Nonviolence>